



## تصحیح متن کار هر بافنده و حلاج نیست



مهدی نوریان\*

۹۰۰ سال پیش زندگی می‌کرده، چه می‌خواست است بگوید، بسیار دشوارتر از تألیف کتاب است. کار بسیار حساس و دقیقی است؛ به قول شیخ اجل «که خاصان در این ره فرس رانده‌اند»؛ کسانی مانند علامه قزوینی، فروزانفر، مینوی، همایی و امثال آنان عمر خود را صرف این کار کرده‌اند و خود این مسئله اهمیت موضوع را نشان می‌دهد که دانشمند بزرگی مثل علامه قزوینی کارنامه عمرش تصحیح متون گذشته بوده و نباید این کار را دست‌کم گرفت و واقعاً تصحیح متن «کار هر بافنده و حلاج نیست». مصحح باید زبان متون قدیم را خوب شناخته باشد. متون قدیم زبان خاصی دارد که باید آن زبان را شناخت و کاملاً به آن مسلط بود و واقعاً مصحح باید زبان متون قدیم را همچون زبانی خارجی بیاموزد و غالباً نیاز به استاد دارد و باید برخی متون را پیش استاد خوانده باشد. کسی که متنی را بی‌استاد بخواند، بسیاری از حقایق متن از زیر چشمش رد می‌شود و به نظرش نمی‌رسد که این مسئله نیاز به دقت دارد؛ ولی وقتی آن متن را نزد اهل فن بخواند نکته‌های زیادی را متوجه می‌شود.

متأسفانه می‌بینم که تعداد زیادی کتاب به عنوان تصحیح متن وارد بازار می‌شود؛ برای مثال دیوانی چاپ شده که روی جلدش نوشته کلیات شاعر شامل قصاید، غزلیات، «ترجیع‌بند» به جای «ترجیع‌بند» و وقتی روی جلد چنین اشتباهی باشد از محتوا چه انتظاری می‌توان داشت. در برخی موارد نیز کتاب‌هایی چاپ می‌شود که از نام بزرگان بهره می‌برد؛ مثلاً دیوان سنایی به کوشش بدیع‌الزمان فروزانفر؛ در حالی که استاد فروزانفر در سراسر عمرش دیوان سنایی را تصحیح

در دهه‌های اخیر کتاب‌سازی و پخته‌خواری بازار نشر را بشدت تهدید می‌کند. به عقیده شما این مشکل چه علل و عواملی دارد و چرا مؤلفان و مخاطبان به چنین آثاری رغبت نشان می‌دهند؟

موضوع کتاب‌سازی واقعاً از مشکلات بزرگ فرهنگی ماست و باید پیش از اینها به آن توجه می‌شد. باید از مرکز پژوهشی میراث مکتوب تشکر کرد که این موضوع را به بحث گذاشته است. کتاب‌سازی چند علت دارد؛ در درجه اول علت اصلی آن پول درآوردن است، یعنی چون مردم به آثار اصیل علاقه‌مند هستند. و این آثار را می‌خرند، سودجویان نیز آنها را چاپ می‌کنند. علت دوم شهرت‌طلبی است. برخی دنبال کسب نام هستند و زحمتی را که باید، نکشیده و رنجی را که باید، نبرده‌اند و بدون داشتن صلاحیت کافی دست به چنین کارهایی می‌زنند. تصحیح متون قدیمی مهمترین و نخستین قدمی است که در راه شناخت متون باید برداشته شود و تا زمانی که متون منقح در اختیار نداشته باشیم، هر نوع قضاوت ما درباره آن متون بی‌اساس خواهد بود.

به نظر شما چرا این موضوع در حوزه تصحیح متون نمود بیشتری دارد و چگونه باید از ورود ناآشنایان به این حوزه جلوگیری کرد؟ دانشگاه‌های ما چه نقشی در جلوگیری از این معضل دارند؟

در درجه اول باید متون را محققانی تمام‌عیار تصحیح کنند و مسلم است که تصحیح متون اصیل، به مراتب دشوارتر از چاپ کتاب است. برای این که وقتی کسی کتابی می‌نویسد، می‌داند از چه می‌خواهد بگوید؛ ولی این که دریا بیم کسی که

\* استاد دانشگاه اصفهان



نکرده است! وقتی کتاب را ورق می‌زنی، می‌بینی دو صفحه مطلب از کتاب سخن و سخنوران فروزانفر در مقدمه چاپ شده و باقی از دیوان سنایی مرحوم مدرس رضوی که وی با کوشش فراوان آن را تصحیح کرده، عیناً حروفچینی شده و روی جلد نوشته‌اند «بدیع‌الزمان فروزانفر» تا برای کتاب کسب شهرت کنند. به قول مرحوم علامه قزوینی «اغراء به جهل» می‌کنند؛ یعنی مردم را گمراه کردن و دست کم گرفتن. چه کسی می‌فهمد که تا این حد تقلب رخ می‌دهد؟ واقعاً نامی جز تقلب و شیادی نمی‌توان بر این موضوع گذاشت.

**چنان که فرمودید، ما با مشکلات زیادی در حوزه تصحیح روبه‌رو هستیم. حال به عقیده شما ممیزی‌ها باید پررنگ‌تر شود یا راه‌هایی برای نقد این متون در نظر بگیریم؟**

کسی که متنی اصیل را این‌گونه خراب می‌کند، کارش هیچ تفاوتی با کسی که یک اثر تاریخی را با کلنگ ویران می‌کند، ندارد؛ یعنی ارزش آثار مکتوب ما تفاوتی با آثار تاریخی ندارد و نباید هر کسی به خود اجازه دهد آنها را تخریب کند.

این کار فقط از عهده کسانی بر می‌آید که تسلط و احاطه بر متون داشته باشند. چنین افرادی باید این کارها را نقد کنند. باید نقد هرچه بیشتر رشد کند و تا جایی که ممکن است بی‌رحمانه نوشته شود تا عده‌ای حساب کار خود را بکنند و دست به چنین کارهایی نزنند. این فقط با نقد ممکن است.

**یکی از دلایلی که پژوهشگران ما دست به کتابسازی می‌زنند، تشویق نظام آموزش عالی ما به تألیف کتاب برای کسب امتیاز است. تحلیل شما از این گونه کارها چیست؟**

امتیاز قائل شدن برای کتاب و مقاله درد بزرگی است چون عده‌ای می‌خواهند به هر طریقی که شده امتیاز کسب کنند؛ برای مثال، استادیار می‌خواهد دانشیار شود و حد و مرزش را نمی‌شناسد و مقاله و کتاب یا هر چیز دیگری را انتحال می‌کند و واقعاً مایه تأسف است که بعضی وقت‌ها بی‌دقتی می‌شود و این موضوع را تشخیص نمی‌دهند و عده‌ای — بی‌آنکه استحقاق داشته باشند — امتیاز می‌گیرند. باید گفت مسئله

پایان نامه‌ها رو به انحطاط است؛ مثلاً دانشجوی تازه کار، آثار سنایی یا خاقانی را تصحیح می‌کند، در حالی که برای تصحیح این آثار یک عمر تجربه لازم است. یعنی باید سال‌های سال متن را خوانده باشد تا از پس مشکلاتش برآیند. آن قدر هم سر استاد راهنما شلوغ است که به رساله نگاه هم نمی‌کند.

**بتازگی موضوع منشور اخلاق نویسندگی مطرح شده است. به نظر شما این منشور و مباحث این چنینی تا چه حد بازدارنده کتاب‌های تقلیدی خواهد بود؟**

منشور اخلاقی باید در فرهنگ جامعه جا بیفتد و به انحاء مختلف تبلیغ شود، ولی این کلمه «اخلاق» و «اخلاق حرفه‌ای» باید در میان همه جا بیفتد تا وقتی کسانی کتابی می‌نویسند، ببینند صلاحیت کار را دارند یا نه. به صورت وسیع باید در این زمینه تبلیغ کرد که سرمایه یک ملت شوخی بردار نیست و بزرگترین سرمایه ایرانیان، همین متون کهن است. باید قدر این سرمایه را بدانیم و نگذاریم از دست برود.

**دیدگاه شما درباره تربیت نسل‌های آینده چیست و چه راه‌هایی وجود دارد که فرهنگ مبارزه با کتابسازی در جامعه رونق یابد؟**

برخی افراد که کتاب می‌خرند، برایشان مهم نیست آن دیوان حافظ که می‌خرند تصحیح علامه قزوینی یا دکتر خانلری است یا یک چاپ بی‌ارزش بازاری. فقط می‌خواهند با دیوان حافظ فال بگیرند. باید سطح توقع آنها را بالا برد و در رسانه‌ها به مردم تذکر داد که وقتی دانشمند بزرگی عمرش را صرف می‌کند که متنی را تنقیح و مطابق اصول منتشر کند، خریدن چاپ‌های بی‌ارزش روا نیست. برای نسل‌های آینده جا دارد عده‌ای محقق تربیت و گرایش خاصی در رشته ادبیات فارسی مخصوص متون قدیم در نظر گرفته شود. برای حل این مشکلات، زمانی پژوهشکده فرهنگ تأسیس شد که به هم خورد.

